

# گره روی شیروانی داغ

نمایشنامه

تنسی ویلیامز

ترجمه‌ی

پرویز ارشد

مقدمه

تعلیق بر نمایشنامه

نمایشنامه در مورد

نمایشنامه در مورد

نمایشنامه در مورد

نمایشنامه در مورد



انتشارات فرارید

ISBN: 978-964-131-292-5

---

اینکه می خوانید:

داستانی است از زندگی حقیقی انسان‌ها، از حرص و آژشان، از طمع عده‌ای خودپرست که خودپرستی‌شان حریم خویشی را می‌درد و پدر و برادر را چون دو خصم در هم می‌کوبد. داستانی است از دنیای ناشناخته‌ی جمعی موهوم‌پرست، ساخته و پرداخته از تزویر و نیرنگ‌شان. حکایتی است از دوستی‌های دیرینه، رفاقت‌های بی‌حد و حصر، و شرم از این دوستی‌ها... درامی است از زندگی مردم جنوب آمریکا و انعکاسی از گناه‌هایشان. و این است لطیف‌ترین اثر تنسی ویلیامز که به دریافت جایزه‌ی ادبی (پولیتزر) نایل آمده است.

مترجم

---

## پرده‌ی اول

پرده بالا می‌رود، شخصی داخل حمام مشغول دوش گرفتن است. در حمام نیمه‌باز است. زن جوان و زیبایی، با چهره‌ی برافروخته، داخل اتاق خواب می‌شود و به طرف در حمام می‌رود.

مارگارت: (با فریاد، برای آنکه بر صدای آب غلبه کند) یکی از این جونورهای بی‌گردن با نون خامه‌ای داغ منو نشونه گرفت، حالا بایس برم لباس عوض کنم.

صدای مارگارت نازک و درعین حال کش‌دار است. وقتی که زیاد حرف می‌زند صدایش لحن نیرنگ‌آمیز کشیشی را دارد که در حال موعظه است. جمله‌ها تقریباً به صورت شعر و دائماً طوری ادا می‌شوند که نفسی باقی نمی‌ماند و ناگزیر باید برای جمله‌ی بعدی نفس تازه کند. گاهی جملات را با یک آهنگ بی‌معنی مخلوط